

## دایره ادبی قرن هفدهم هرات

ابوبکر ظهورالدین

هر چند ادبیات قرن هفده زمان صفویه بویژه ادبیات حوزه هرات هنوز به طور باید و شاید مورد آموزش و بررسی قرار نگرفته است، در یک سلسله آثار دانشمندان اروپایی امثال: براون، دانشمندان روس: الف. کریمسکی، الف. برتلس، ر.گ. لوکاو سکایا، عالم چک یان - ریپکا، علامه شبلی نعمانی، محققین ایرانی: زین العابدین مؤتمن، تربیت، محمد هاشمی، حسن سادات ناصری، عبدالحسین زرین کوب، امیری فیروزکوهی، خلیلی افغانی، دانشمندان تاجیک: عبدالغنی میرزایف، ظاهر احراری، امیر یزدان علی مردانف راجع به ادبیات این دوره و نمایندگان آن اندیشه و ملاحظات خرد را ذکر نموده قسمت و بابهای جداگانه بخشیده اند که از منابع و معلومات مهم تشکیل یافته اند، ولی با وجود این ادبیات قرن هفده ایران و خراسان، بویژه حوزه ادبی هرات از مرحله های، تا حال کم تحقیق شده ادبیات فارسی و تاجیک به شمار می رود. چون راجع به ادبیات قرنهای شانزده و هفده زمان صفویه فکر و ملاحظات و اندیشه های مختلف تا امروز ادامه دارد، ما این جا تنها چند

سخن درباره ادبیات این دوره می‌گوییم.

آنچنانی که از سرچشمه‌های تاریخی معلوم است، دولت صفویه در دوران شاه عباس اول بیش از پیش رشد کرد و مرکزیت یافت. او برای تحکیم دولت خود چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی چاره‌ها اندیشید و اصلاحات جاری کرد. خراسان در این زمان از جانب شاه عباس تسخیر و دولت صفویه ضمیمه شد. او برای تسلط بر خراسان (۱۵۹۸ م.) به نواحی و استانهای این جا سروران و مالکانش را تعیین نمود. از جمله هرات و تمام نواحی آن را به حسین قلی خان شاملو (۱۵۹۸ - ۱۶۱۸ م.) داد که در فتح خراسان شرکت فعال داشت. مشهد و اطراف آن را به دیگر سپه سالار خود: قرچه‌قای خان گرجی (۱۶۰۱ - ۱۶۲۶ م.) واگذار نمود.

پس از قتل قرچه‌قای خان، شاه عباس فرزند او منوچهرخان را به بیگلربیگی خراسان تعیین کرد و او از ۱۶۲۶ تا ۱۶۶۴ م. حکومت راند. در ولایت فراه نیز از ابتدای حاکمیت صفویان اسماعیل سلطان حکومت داشت و در ولایت نیشابور و باشت چنانکه که مورخ اسکندر منشی می‌نویسد: «سلسله قزایبها حکومت داشتند و شاه عباس از خاندان قزایب میر محمد سلطان را حاکم نیشابور تعیین می‌کند. پس از او مدت زیادی در آن جا بیرم علی خان بیات (۱۶۶۱ - ۱۶۱۱ م.) سلطنت داشت.» شاه عباس، به همین طریق تمام خاک خراسان را در بین والیها و حاکمان قسمت نمود، و به این وسیله پایه‌های دولت خود را مستحکم کرد. از اوضاع حیات سیاسی و اجتماعی معلوم می‌شود که دولت صفویه در زمان حکمرانی شاه عباس همچون دولتی توانا شهرت پیدا کرد. در این دوره شهرها کارخانه‌های بزرگ ساخته شد. تجارت و هنرمندی رونق پیدا نمود. اصفهان در این عهد چون یکی از مرکزهای اصلی فرهنگی شهرت یافت.

از تمام ایران زمین اهل علم و ادب، هنرمندان مورخان و معماران گرد می آمدند و این شهر در شرق نامآور شد. از فرموده تذکره نگاران و دیگر سرچشمه های فرهنگی قرن هفده چون: خیرالبیان، شاه حسین، میخانه حسن هراتی، قصص الخاقانی ولی قلی خان هراتی و تذکره نصرآبادی محمد طاهر نصرآبادی چنین بر می آید که در این عهد در اصفهان حیات ادب رونقی داشته است. از روی معلومات این سرچشمه ها، در این شهر شاعران و ادیبان معروف: میرزا رکن الدین مسیحا، میرزا صادق افشار، حکیم زلالی، میرزا شکور مشرفی، اوجی نطنزی، کوسری، زرکش مسعود اصفهانی، حکیم شفایی، فریدون سابق اصفهانی، شعوری کاشی، عشقی اصفهانی، حاج محمد اصفهانی، ناظم تبریزی، محمد طاهر نصرآبادی، فارسی اصفهان، زمانای اصفهانی، حسینی صبوچی، میرزا جلال اثیر، فائق اصفهانی، صائب تبریزی، میرزا برخوردار فراهی، شریفای کاشی... شرکت داشتند و از خود آثار گرانبها باقی گذاشتند.

اکثر این سخنوران غزلسرا، صاحب دیوان می باشند که تحقق آثار آنها از مسایل مهم است. چند نمونه از اخبار تذکره نویسان آن عهد ذکر می شود: افضل الحکماء المتأخرین، مسیح کاشی که در مطالعه و کسب علوم عقلی و نقلی معنی به جای آورده و در حکمت و طب داد مطالعه داده و در فن شعر خاقانی زمان خود است.<sup>۱</sup> دیگر شاعر معاصر عبدالنبی فخرالزمانی قید کرده است که: «رکن الدین مسعود، حکیمی است تمام عیار، اشعار دلپذیرش رنگین است».

میرزا ملک مشرقی طبع بلند دارد، می نویسد: شاه حسن، در علم ریاضی و موسیقی مهارت کلی دارد و تصنیفاتش گوش هوش اهل نغمه و

ساز را زیور بیهوشی نموده چند نقش در ساقی نامه فارسی و ترکی بسته که مدار مغنیان مجلس بهشت آیین بر آن است و در فن شعر یگانه و فرزانه است.<sup>۱</sup>

ملیحای سمرقندی تذکر داده است، سختوران ایران، خصوصاً ظرفی اصفهان همه متفقند بر اینکه در فضل و دانش حاج فریدون بیک بعد از صائب بر همه فائق است. شعرش در بازار معنی بی بها، فکرش جوهریست در روزگار ناپیدا، صاحب دیوان تمام می باشد و منتخب دیوان مشارالیه را از ایران به توران آورده است...<sup>۲</sup>. نسخه دیوان شاعر چندی پیش پیدا شد.

آقا مسعود ولد زمانای زرکش شاعرست پر زور که زورش از شعر لنگردار او پیدا است. چون نسیم هر سو نمی رود. اشعار و افکار با تمکین او شاهد حال است و صاحب سه دیوان می باشد.<sup>۳</sup>

مؤلفان این تذکره ها، یعنی مکان گرد آمدن اهل ادب و مبادله افکار ادبا و اهل هنر را چنین خبر داده اند: «تحت گاه اصفهان که معین ترین مقام بلده مذکور است و توان گفت که اصفهان از این بهتر جای خوشی ندارد، تاصد قهوه خانه، دریل یکدیگر افتاده»<sup>۴</sup>. به غیر از قهوه خانه ها اهل شعر و ادب در مهمان خانه ها و دکان های دوستان شعر نیز جمع می آمدند که در این باره نیز ملیحا خبر داده است.

حوزه ادبی دیگری که در خراسان وجود داشت و با دایره ادبی اصفهان روابط قوی داشت حوزه هرات بود. از سالهای بیست قرن هفده با بهتر گردیدن مناسبات سیاسی و اقتصادی میان ایرن و هندوستان تجارت و روابط فرهنگی نیز مستحکم شد. در شهرهای مرکزی خراسان

۱. همان مأخذ، صص ۳۱۱-۳۱۰

۲. مذکر الاصحاب، ص ۹۸

۳. همان مأخذ، ص ۱۲۷

۴. همان مأخذ، ص ۱۵۲

(مشهد، هرات، قندهار) کارخانه‌ها به وجود آمده، تجارت و هنرمندی رو به کمال نهاد. بویژه در هرات ادبا از نواحی خراسان (نیشابور، استرآباد، جام، مرو و نسا، سبزوار و سمنان...) و حتی از کاشان و اصفهان جمع آمده بودند. و ادبیات فارسی نیز در این دوره در هندوستان نیز رونق داشت. چنان که مؤلف تذکره خیرالبیان خبر داده است: «اهل علم و ادب چه در هنگام از ایران سفر کردن، و چه از هند به ایران برگشتن، در هرات توقف نموده با اهل علم و ادب این جا صحبت می‌آراستند، یعنی سخنوران هرات به این وسیله با رویدادهای تازه فرهنگی هند و ایران آشنایی پیدا می‌کردند». پس از وفات حسین خان (۱۶۱۸ م) والی خراسان حسن خان به این سمت تعیین می‌شود.

طبق اخبار تذکره میخانه<sup>۱</sup>: وی از مالکان ادب‌پرور بوده و خود نیز شاعر خوش سلیقه‌ای بوده است و دیوانش که به نظر فقیر رسید، قریب به سه هزار بیت بود، یکی از همزمانان او محمد ظاهر در تذکره نصرآبادی از اشعار او در کتاب خود آورده است. دیوان او در کتابخانه لندن موجود است و با تخلص «حسین» شعر گفته و از شاعران دربارش مولانا فصیحی، مولانا جوهری زرگر، میر محمد معصوم، میرزا ملک مشرفی و اوجی نطنزی پشتیبانی کرده است.

موافق نوشته تذکره نویسانی چون: ملیحا، محمد اطهر و شاه حسین، این شاعران در مکتب ادبی هرات کمال یافته آثار پر ارزش از خود میراث گذاشته‌اند: شاه حسین هادی، فصیحی هراتی، غیاثای شیرازی، جوهری زرگر، گرامی شاملو، میر معصوم کاشی، واحد ترکما، فیصر هروری، ابوالحسن فراهانی، میرزا ربیع سبزواری، احسان مشهدی، شوکت بخارایی، عظیم نیشابوری، مولانا بساتی، میر نورالله ششدری، عاشق

۱. تذکره میخانه، ص ۴۱۳

۲. تذکره نصرآبادی، ص ۲۰

سمنانی، میرزا برخوردار فراهی، مولانا مؤمن سبزواری، بیگانه نیشابوری، محمد رضوی، ارشد هروی، رفعت محمد صادق، حافظ محب‌علی، نکهت ششدری، مولانا حیرتی، حاج غفلت تربتی، شانی هراتی، ناظم هراتی، میر معصوم کاشی...

تذکره نویسان زمان درباره استعداد و هنر شاعران این دوره در اکثر مورد توقف کرده‌اند و به آثارشان بها داده‌اند و حتی از وضع روزگار و رتبه تحصیل آنان سخن مطرح گردیده است. چنانچه شاه حسین، از ناظم هروی در خیرالبیان بسیار ذکر خیر نموده است، بر مبنای نوشته او: «در دارالسلطنه هرات نشو و نما یافته، طبع عالی دارد».

ناگفته نماند که کلیات ناظم هراتی عبارت از مثنوی یوسف و زلیخا و دیوان غزلیات و قصائد است که در کتابخانه پژوهشگاه خاورشناسی فرهنگستان علوم ازبکستان موجود است. همین طور مؤلفان دیگر تذکره‌ها نیز از زندگی و آثار سخنوران زمان خود معلمات جالب داده‌اند. چنانچه در مذكر الاصحاب می‌خوانیم: «محمد امین بیک نیشابوری در فن شعر و دانشوری و نازک روی و دقت سخن... بی نظیر و بی عدیل است».

در تذکره نصرآبادی آمده: «مقیما، تخلص پسر وسط ملاقیدی خوش سلیقه بوده، حقاً ملکی بود در لباس انسان»<sup>۱</sup>. کلیات این سخنور اکنون در کتابخانه پژوهشگاه خاورشناسی ازبکستان موجود است. ملیحاً می‌گوید: «مولانا مؤمن، سبزواری است شعرش به رسم شعر قدما، ساده نمای پرکار است»... و مثنویش قریب به دو هزار بیت است.<sup>۲</sup> (دیوان او نیز در کتابخانه پژوهشگاه خاورشناسی ازبکستان محفوظ است). غلامعلی خان

۲. تذکره نصرآبادی، ص ۹

۱. مذكر الاصحاب، ص ۱۵

۳. مذكر الاصحاب، ص ۱۲۰

آزاد در خزانة عامره از میرز سعیدالدین محمد، محمد صادق مشهدی ذکر خیر نموده است. ناگفته نماند که آثار نویسنده این عهد: میرزا برخوردار فراهی به عنوان محبوب القلوب نیز تا به زمان ما باقی مانده است. سهم عالمان و هنرمندان در جلال و شکوه حیات فرهنگی هرات نیز بی سابقه بوده است. چنانچه شاه حسین گوید: نکهت ششدری در هرات علم فضیلت برافراخت و در علوم ریاضی و حکمت و شعر مشهور عالم گشت. و در تذکره خیرالبیان آمده: «مولانا حیرتی در فضل و کمال آراسته است»<sup>۱</sup>.

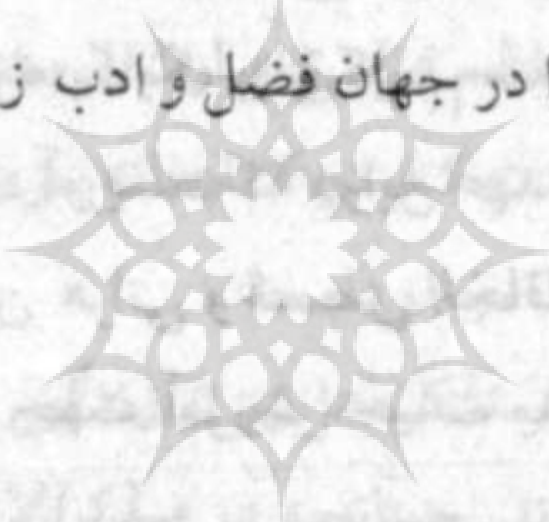
و اگر ذکر تمام شاعران، دانشمندان و اهل هنر هرات را در این قرن طبق فرموده مؤلفان تذکره یکایک بیان کنیم، سخن از این هم بیشتر به درازا می کشد. اما جای یادآوریست که در این عهد باز سه تذکره: خیرالبیان شاه حسن، میخانه حسن هراتی و قصص الخاقانی ولی قلی خان هراتی به میان آمده است که جهت آموزش حیات مدنی این دوره اهمیت بزرگ دارند.

در سالهای ۱۶۶۴ - ۱۶۶۵ م. شاعر صاحب ذوق سعیدالدین راقم با فرمان شاه سلیمان به وزیری خراسان تعیین می شود و چند مدت در دربار عباس قلی خان و صفی قلی خان کار کرد و، برای تحکیم بخشیدن دایره ادبی هرات خدمت بسزایی کرد و به اتکای او: شوکت بخارایی، عظیم نیشابوری، ناظم هراتی، میرزا برخوردار فراهی، در هرات جمع آمدند و از جانب راقم دستگیری و احترام دیدند و از فضیلت سخنپوری و سخاوت و فرهنگ دوستی او بسیار ادیبان زمانش ذکر خیر کرده اند...

در این دوران فضای ادب در اصفهان چندان گوارا نبود. در ۱۶۷۷ م. سرور دایره فرهنگی این شهر ملک الشعرا صائب درگذشت و هر چند

سخنورانی چون مسعود اصفهانی، حاج فریدون بیگ اصفهانی، صاحب اصفهانی، متین اصفهانی... چراغ آن محفل را فروزان داشتند، اما از سبب اوضاع بد روزگار اکثر فاضلان هجرت نموده و پریشان گشتند و عموماً سقوط فئودالیسم سبب تنزل ادبیات قرن هفده در ایران و خراسان گردید باز هم آن را از سالهای یست قرن هفده تا سالهای هشتاد همین عصر، یک دوره جنبش قوی در حیات ادب می توان نامید. برابر علم شعر، هنر و فرهنگ در دیگر رشته ها نیز رشد کرد، بویژه هنرهای خطاطی، صنایع نفیسه، معماری و نقاشی، کاشیکاری و موسیقی...

اهل ادب توانستند در رشته های مختلف استعداد خود را به نمایش گذارند و سنت نیاکان خود را در جهان فضل و ادب زنده نگاه دارند.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی